

به‌گزارش روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، طبق اعلام دبیرخانه نوزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، مهلت ارسال آثار به این جشنواره که پیشتر تا اول دی تعیین شده بود، تا روز دوشنبه، دهم دی تمدید شد. نوزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، آثاری را که برای نخستین بار در سال ۱۳۹۲ به زبان فارسی و بامجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در داخل کشور منتشر شده باشند،

مهلت ارسال آثار به جشنواره شعر فجر تمدید شد

رهای پرپیچ و خم تاریخ

مردم در اعصار و قرون پیشین حرف زد و به عبارتی تاریخ را مردمی کرد

تاریخ گذشته می‌نوشت؛ اما نکته قابل تأمل این‌که بیان حکایات و ضرب‌المثل‌ها و اشعار شاعران آمیخته بود و از آثار او را دنبال می‌کردند. باستانی پاریزی، صیاد لحظه‌های ژرف و عمیق به جزئیات روزگاران گذشته داشت و در حین روایت که مو را از ماست می‌کشید و برای انتقال مفاهیم، سره

بی‌ناییم /سریسته و میان تهی چون ب نقد مردان طلبند / آن‌دزه که در قاعدتا من باید خیلی خوشحال ت هم‌دمی هم‌نام خودم، چنین ظنی در حق من دارد- چیزی که اگر یک‌درصد آن در من بود، می‌بایست کلاه‌گوشه خود را به آسمان بسایم، اما واقعیت همان چیزی است که

آن خانم دانشجوی قدیم من گفته؛ او درست می‌گوید، راه باستانی بُن‌بست است» (خودمشت مالی، ص ۴۵۲).

فلسفه تاریخ باستانی پاریزی

نوع نگاه باستانی پاریزی به روایت‌های تاریخی و کنکاش آن نمی‌تواند صرفاً فلسفی باشد. نه تفاخر به فلسفه دارد و نه به خویشتن. او خود را عاقل و دیگران را نابخرد فرض نمی‌کرد و همین است که فروتنی، حلم، خضوع، وارستگی و بی‌ادعایی در سلوک و بینش و روش او کاملاً آشکار بود. باستانی‌پاریزی نه اهل غیبت‌کردن بود و نه از «من» سخن‌گفتن؛ درویش مسلکانه می‌زیست و به‌صراحت در کتاب بارگاه خانقاه می‌گوید که من هم در خانقاه لنگری دارم. او راست می‌گوید: همسر او، شادروان بی‌بی‌حبیبه حائری، برادر همسرش شادروان شمس حائری و پدر این دو - میرزا یوسف ارشاد علی‌شاه - از مفاخر دراویش سلطانعلی‌شاهی بودند؛ عباى برادرش - مرحوم حاج‌عبدالعظیم باستانی پاریزی - به خاک تربت شاه نعمت‌ا...ولی، و درگاه فقرا مزین و در پاریز شمع محفل دراویش بود. نه به این تبار خانوادگی و نه به این منش او، نمی‌توان از دریچه فلسفه به باستانی‌پاریزی نگاه کرد، که بیراهه خواهد بود.

آن‌ان‌که سعی می‌کنند از دریچه پیچ‌وخم‌های فلسفی، رویکرد

در چهاربخش «شعرکلاسیک»، «شعر نو»، «شعر محاوره» و «درباره شعر» (پژوهش‌های حوزه شعر) ارزیابی می‌کند. آثار ارسالی به این جشنواره باید تألیفی و به زبان فارسی باشند و مجموعه شعر به‌صورت مستقل منتشر شده باشد؛ از این‌رو مجموعه‌های مشترک داوری نمی‌شوند. براساس فراخوان این جشنواره، آثاری که در سال‌های قبل با عنوان دیگر یا توسط ناشر دیگری به چاپ رسیده یا به‌صورت‌گزیده

آثار قبلی باشند، ارزیابی نخواهند شد. ناشران، شاعران و پژوهشگران می‌توانند پس از تکمیل نسخه فیزیکی فرمی که در نشانی fajar.ketab.ir قابل دسترسی است، ۴ نسخه از آثار خود را به‌نشانی تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان شهید برادران مظفر جنوبی، کوچه خواجه‌نصیر، پلاک ۲، سرای اهل قلم، طبقه ۴، کدپستی ۱۳۱۵۷۷۳۴۱۱، دبیرخانه نوزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر ارسال کنند.

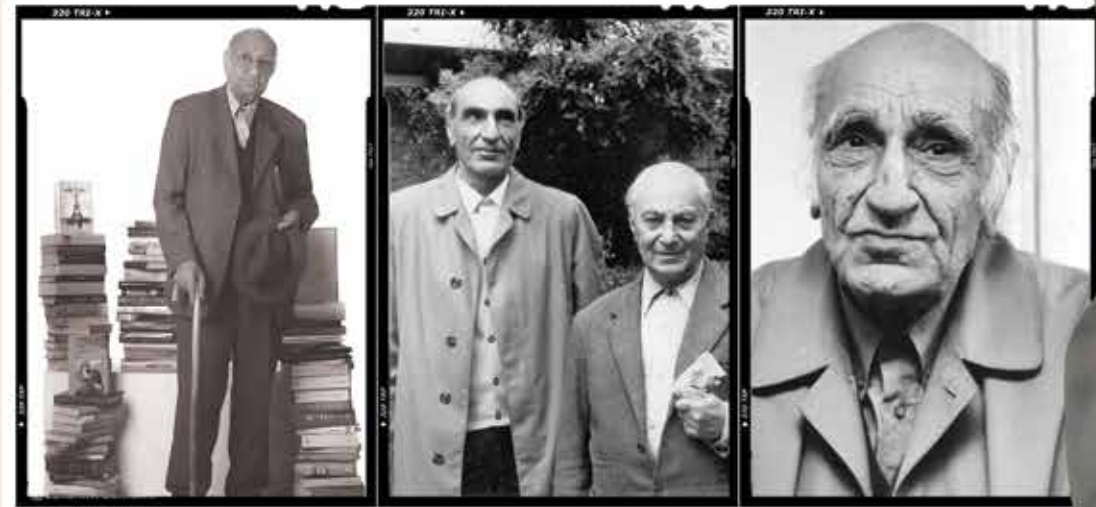


باستانی پاریزی تنها از شعر برای بیان ایده‌های سیاسی خود سود نمی‌جُست. طنز جان‌مایه نظریات سیاسی او بود و به همین دلیل به‌راحتی حرف خود را می‌زد و کسی یارای پاسخ‌گفتن نداشت. کافی است که به مطلبی با عنوان «سیاست‌آزه» که در برخی از آثار او و از آن میان در خودمشت‌مالی چاپ شده و به مبادله چند نامه و یادداشت میان او و امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر وقت، در پی انتشار کتاب آسیای هفت‌سنگ، توجه شود؛ جایی که به بدترین شکل موجود اما در قالب طنز، رئیس‌الوزرا را از‌آزه سیاست ترسانده بود و آخر هم همان شد که باستانی پاریزی پیش‌بینی کرده بود! از این قبیل شوخی‌های شاعرانه و طنزپردازِی‌های عالمانه و به‌جا، هزاران مورد در کتاب‌های باستانی پاریزی یافت می‌شود؛ موضوعی که هم عامه‌پسند است و هم محققانه و اثرگذار.

آنان که نوشته‌ها و گفته‌های باستانی پاریزی را خوانده و شنیده‌اند، خوب می‌دانند که سخن او چه تاریخی باشد یا ادبی و جغرافیایی، خواننده یا شنونده را در بند خود می‌گیرد. نفوذ کلام این روستازاده بی‌پیرایه در اندیشه و گفتار شنونده و خواننده، به‌دلیل صراحت و بیان و سادگی زبان بود؛ زبانی به‌دور از خشکی و سردی. در نوشته‌های او همه‌چیز خواسته‌ای پیدا می‌شود و این‌همه را به‌راویود تاریخ و ادبیات درهم‌تنیدن و قهقهه تلخ تاریخ را به شکر داستان و روایت، طنز و شوخی‌های آبدار، شیرین نقدهای جدی و وزیرکش و شعرهایی که گاه شاعری ناشناس دارند شیرین‌کردن، هنری است که به‌سادگی نمی‌شود به‌خورد همه‌گروه‌های خواننده داد. در نوشته‌های او رگه‌های طنز موج می‌زند و در کلامش شیرینی سخن به جان‌ودل می‌شنیند. شعر و شوخ شاعرانه در این سبک موج می‌زند و در دل و جان خواننده اثر می‌گذارد. قند کلامش به‌طنزی فاخر آراسته است که برای به‌دست‌آوردن این طنز به هرجا که لازم باشد سُر می‌زند؛ از «گُت‌وشمیه‌های» کرمان تا «گُتیکوهای» (الونک‌های دهاتی) دهات پاریز، از اژدهای هفت‌سر جاده ایریمش تا غالیه‌زلفان اژدهای هُنگوی پاریز و از هزارجات افغان تا سرزمین «هزاران در هزار» فرنگ. همه این نشانه‌ها برای رهنمون‌کردن خواننده به اعماق تاریخ است و برای دانستن از تاریخ و به‌کار بستن آن.

گفته است لایق شیرعلی پنجیکنتی شاعر تاجیک: «زهر بادا شیر مادر بر کسی / کو زبان مادری گم کرده است». خواندن، شنیدن و سرودن شعر، ناگزیر در خون و رگ اوست، باستانی پاریزی چند غزل آب‌دار و ناب دارد و ده‌ها قصیده و مثنوی انتقادی، اما حافظه او پُر بود از صدها هزار بیت شعر که به‌جای خود در متن تاریخی از آن بهره می‌برد. ناسپاسی نخواهم کرد اگر بگویم که گاه باستانی پاریزی متن تاریخ‌نگارانه را به سمت و سویی می‌کشاید تا بتواند بیت شعر مورد نظر خویش را در آن بگنجانَد؛ گاه او اول شعر موردنظر خود را انتخاب می‌کرد و بعد متن تحقیقی خود را در پیرامون آن چون پیله‌ای می‌تید.

یاد و یادبودی که شعرهای باستانی پاریزی را در بر دارد، از همان در پای سرو حاج‌عزیز در پاریز با شعر «یاد آنشب...» که از بهترین نمونه‌های تفزلی معاصر است، آغاز می‌شود و تا انتقادی‌ترین شعرهای ممکن مانند شعر در مقام «مدفن آزادی» و آنگاه که محمدمسعود ترور شد، ادامه می‌یابد. نقد اجتماعی و نقد سیاسی، شاه‌بیت اشعار اوست. او را به جشن فرهنگ راه ندادند، چون کراوات نداشت و شعر «پُز با کراوات» (یادی از گذشته) را نوشت (شب آدینه اندر جشن فرهنگ / من از بهر تماشا کردم آهنگ)؛ وقتی که در سال ۱۳۲۶ کمک‌هزینه تحصیلی‌اش را قطع کردند، شعر «وزارت فرهنگ» را سرود (نامش فرهنگ و آشیانه جهال / جای گروهی عوام و بی‌فرهنگ)؛ در پی تصویب قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک (۱۳۲۸)، شعر «شب تریاکیان» را سرود و دولت را از آن ترساند «که‌گردد انقلاب شیره برپا»؛ در اواخر ۱۳۳۱ که کشور در مسیر انقلاب قرار گرفته بود، شعر «مملکت از پایه ویران است...» را سرود و سرود و ناخدای مُلک را محکوم به طوفان دانست و به صراحت گفت «لیک باید چشم همکاری از آمریکا نداشت / کاین شریک انگلستان است، گویی نیست؟ هست»؛ نکته‌ای که چندماه بعد در کودتای ۲۸ مرداد اثبات شد. همچنین مهم‌ترین اشعار او در پیوند دو موضوع «تاریخ و سیاست» را می‌توان در شعری با همین عنوان یافت. از این‌گونه اشعار در کتاب یاد و یادبود و در دیگر آثار او بی‌شمار است و بد نیست که یک محقق، تاریخ اجتماعی و سیاسی دوران پهلوی را بر مبنای اشعار او تحقیق کند.



چهره

آخرین وضعیت استاد موحد در بیمارستان

استاد محمدعلی موحد، ادیب، مولوی پژوه و حقوق‌دان و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چندروزی است که در بیمارستان بستری شده است. بنابه اطلاع نزدیکان ایشان، خوشبختانه روند درمانی

استاد رضایت‌بخش است. اطلاعیه زیر را کانال استاد منتشر کرده است: «با سلام خدمت دوستداران عزیز استاد موحد، خدا را حمد و سپاس بسیار می‌گوییم که حال استاد عزیزمان روبه‌بهبود است و اندک‌سکالت باقی‌مانده نیز با الطاف الهی و دعای خیر شما عزیزان برطرف خواهد شد و استاد نازنین به‌زودی از بیمارستان مرخص خواهند شد.» محمّدعلی موحد (زاده ۲ خرداد ۱۳۰۲) شاعر، ادیب، عرفان‌پژوه، تاریخ‌نگار، حقوق‌دان و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و تألیفات و پژوهش‌های او به‌خصوص در حوزه عرفان اسلامی و شخصیت مولانا و شمس تبریزی، مورد توجه و ارجاع دوستداران فرهنگ و ادبیات فارسی است. او همچنین از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار در حوزه حقوق به‌خصوص حقوق بین‌الملل و حقوق نفت است.



جام جمه

فرهنگ

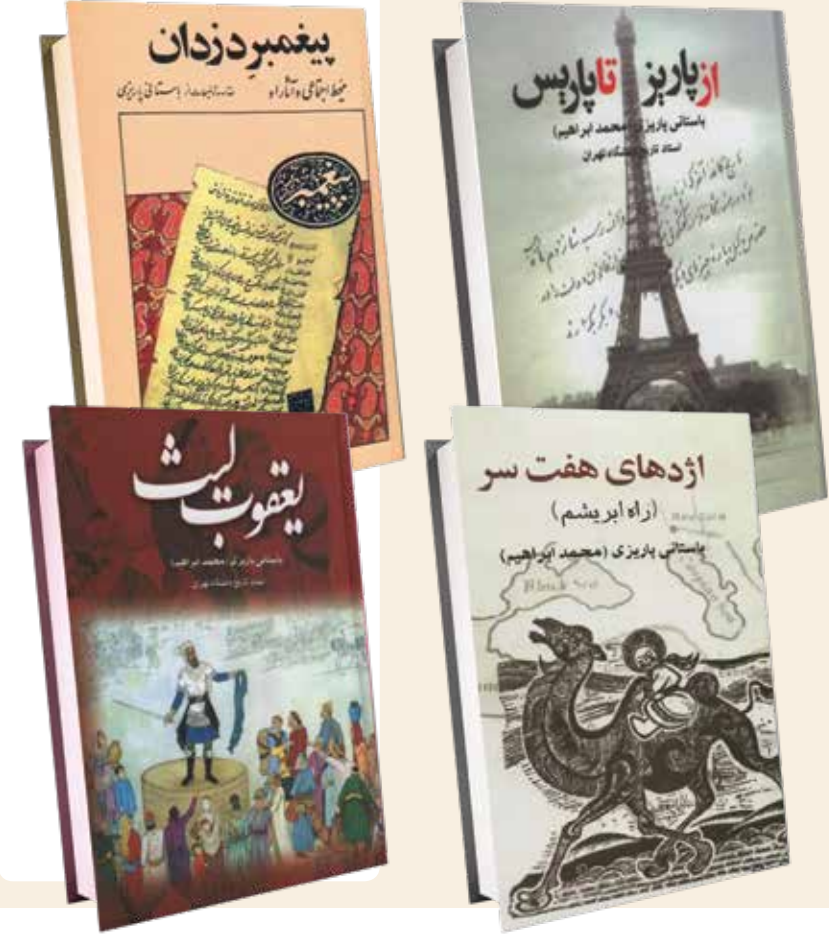
CULTURE

دوشنبه ۳ دی ۱۴۰۳ ۶۹۳۹ شماره

برش

باستانی پاریزی مورخ جریده‌نگاری

تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی را نمی‌توان از جریده‌نگاری او جدا دانست. او نمونه واقعی مورخ روزنامه‌نگار است. چرایی انتخاب شیوه عامه‌پسندانه در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی، به علاقه‌ایشان به مطبوعات نیز مربوط است. سرآغاز این راه ریشه در همان سال‌های نوجوانی دارد که خود نشریه ندای پاریز را به‌صورت دست‌نویس چاپ می‌کرد. پس از آن، نخستین مطلبی که از او منتشر شد، یادداشت کوتاهی بود با عنوان «تقصیر بامردان است نه زنان» که در نشریه بیداری کرمان (۱۳۲۱) منتشر کرد. همین یادداشت نوجوان پاریزی را باید سرآغاز مقالات مفصل ایشان درباره «جای پای زن در تاریخ» و «گذار زن از گذار زندگی» دانست که سرانجام به کتاب گذر زن از گذار تاریخ منتهی‌شد. علاقه‌مندی استاد به جریده‌نگاری در دههٔ ۱۳۲۰ و هفت‌هشت سال پس از نشریه ندای پاریز به‌بار نشست. دوران جوانی باستانی پاریزی مصادف بود با بهار جریده‌نگاری ایران؛ سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ که در هر کوچه و پس‌کوچه‌ای روزنامه‌ای منتشر می‌شد. باستانی‌پاریزی مشتاقانه در روزنامه‌ها مطلب می‌نوشت و حتی خود او نشریه نامه‌هفتاد را در کرمان منتشر کرد. قاعدتا این جوان پاریزی که مشتاق جریده‌نگاری بود، بی‌تأثیر از جریان روزنامه‌نگاری و نشریات گوناگون نبوده است. این روایت مشهور که همه کتاب‌های باستانی‌پاریزی مجموعه‌ای از مقالات روزنامه‌ای او بوده، کاملاً درست است و نباید در بررسی سبک او نادیده گرفته شود. جریده‌نگاری جای خوبی است برای جولان قلم. زبان مطلب منتشرشده در روزنامه باید که همه‌کس فهم باشد و این ساده‌ترین و بهترین راه است برای نفوذکردن در دل خوانندگان؛ جایی که می‌توان آن را نوشته عامه‌پسند دانست.



قاب

«تراز زندگی معنوی در حیات طیبه فاطمی» منتشر شد

کتاب «تراز زندگی معنوی در حیات طیبه فاطمی» اثر فاطمه مغیثی است که در مرکز پژوهش‌های اسلامی مصمومیه(خواهران) تهیه و به‌همت نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ۲۲۵ صفحه به چاپ رسید. این کتاب در دو بخش تألیف شده است؛ بخش نخست با عنوان «شاخصه‌های زیست معنوی فاطمی» و دومین بخش از این کتاب با عنوان «کارکردهای زیست معنوی فاطمی» زندگی‌سازی معنوی و جامعه‌سازی معنوی را مورد تأکید قرار داده است. علاقه‌مندان برای خرید اینترنتی این کتاب می‌توانند به نشانی اینترنتی http://shop.isca.ac.ir/ مراجعه کنند.

نشست

برگزاری آیین نکوداشت ناصر هوشمند وزیری

آیین نکوداشت و رونمایی از سردیس ناصر هوشمندوزیری، مجسمه‌ساز فقید و موسس غارموزه وزیری، به‌همت انجمن همگرایی موارث‌تمدن ایرانی و نادر کریمیان سردشتی، عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، با مدیریت راما هوشمندوزیری و به دبیری داود میری آتشگاه، فردا برگزار خواهد شد. ناصر هوشمندوزیری، دانش‌آموخته مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹ است که پروژه لیسانس او مجسمه‌ای سنگی است که هنوز هم در کارگاه دانشکده موجود است. در سال ۱۳۵۵ برای ساخت مجسمه‌های سنگی پارک جمشیدیه دعوت به‌کار شد و ۵۰ مجسمه سنگی این هنرمند در پارک جمشیدیه تهران قرار دارد. از استاد هوشمندوزیری حدود ۸۰۰ اثر هنری با متریال چوب، فلز، فایبرگلاس، بازیافت پلاستیک و... موجود است. استاد وزیری، موسس تنها موزه خصوصی ایران [غارموزه وزیری] در کوه‌های لواسانات تهران است.

